



کد خبر: ۱۱۵۰۱۴

سه شنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۸ ۲۰:۱۹

سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر

## تحلیل فرهنگی-اجتماعی سه فیلم شنای پروانه، بی صدا حلزون و تومان

برنامه اینترنتی «نقد نو» در روز دوم پخش خود به تحلیل سه فیلم شنای پروانه از محمد کارت، بی صدا حلزون از بهرنگ دزفولی زاده و تومان از مرتضی فرشباف پرداخت. میهمانان این برنامه دکتر علی سرزعی (تحلیلگر اقتصادی)، دکتر امیر ناظمی (تحلیلگر سیاستگذاری عمومی) و دکتر مریم جلالی (تحلیلگر رسانه و خانواده) بودند که به تحلیل این فیلم از منظر تخصص خود پرداختند.

### ۱- شنای پروانه

کارگردان: محمد کارت

میلااد دخانچی: ما در سه سطح با مشکل مواجه هستیم

کارگردان با نگاهی مردم‌شناسانه توانسته دری به روی بیننده باز کرده و توانسته یکی از کارکردهای سینما به عنوان آگاهی دهنده ما به وجوه مختلف جامعه است که ما از آن بی خبر هستیم.

اگر مسأله مهمی را بتوان درباره فیلم گفت این است ما در سه سطح با مشکل مواجه هستیم.

۱- مشکلی که نهادهای سیاسی و حاکمیتی و قانونی با آن مواجه هستند که شخصیت اصلی این فیلم برای حل مشکلات سرراغ آنها نمی‌رود.

۲- تزلزل در حلقه‌های رفاقتی

۳- نهاد خانواده هم اطمینان سابق را برای شخصیت ندارد.

سطوحی که طبیعتاً باید تکیه‌گاه شخصیت فیلم باشند تا بتواند زندگی‌اش را با تکیه بر آنها پیش ببرد، چیزی که در فیلم آن را نمی‌بینیم. آسیب‌شناسی‌ای که کارگردان تلاش داشته در این فیلم انجام بدهد.

علی سرزعی: بیانگر حیات اقتصادی غیررسمی و غیرقانونی

آنچه در این فیلم می بینم، یک اقتصاد غیررسمی و غیرقانونی است. چون مالیات نمی دهد و مغازه ندارد و در جاهای پستو کار می کند. هر چقدر که این فیلم نشان می دهد حاکمیت قانون هنوز وجود دارد و می توان وجه مثبت این فیلم تلقی کرد؛ ولی بیانگر این است که این میزان برای جامعه ما کافی نیست. چون افراد می توانند سطحی از زندگی غیررسمی را برای خودشان ایجاد کنند. که خب از منظر فردی که اقتصاد خوانده است، برای داشتن زندگی بهتر باید کیفیت نهاده هایمان را بالا ببریم.

مدنیت از جایی شروع می شود که حکمرانی یک حاکمیت به نحوی باشد که بتواند اختلافات را حل و فصل کند. اگر کیفیت این حکمرانی پایین باشد، شاهد این خواهد بود که افراد با ناامیدی به دنبال حل و فصل خودتان به دنبال حل مشکلاتشان خواهند رفت. چیزی که ما در این فیلم می بینیم.

دکتر ناظمی: کوه یخی که بخش اعظم آن در زیر پوست جامعه نهفته است

فیلم با یک دغدغه آغاز می شود. پخش شدن فیلمی از یک خانم در فضا عمومی! که یک سوال و ارجاع مهمی در آغاز این فیلم است. موضوعی که کمابیش همه ما نمونه هایی از این دست را دیده و شنیده ایم. این فیلم اتفاقاً این روایت را کنار می گذارد.

آنچه شاید در ۱۵ دقیقه اول فیلم از انتشار فیلم خصوصی از یک فرد به حریم خصوصی اش تعرض شده، آیا تبعاتش آن است که ما از تصور می کنیم؟ فیلم روایت خیلی جالب تری ارائه می دهد. آنچه در این فیلم تصویر شده، اشاره به نوک کوه یخی دارد که بخش اعظم آن در زیر پوست جامعه نهفته و در جریان است. که به خوبی این موضوع را هم واکاوی می کند.

خیلی از اوقات به نظر می رسد موضع گیری هایی مان در برابر فضای مجازی ناشی از این است که انگار دوست نداریم روابط نهفته و پنهان را ببینیم. مساله اصلی، نادیده انگاری است. اگر قصد حل کردن مساله ای را هم داشته باشیم، باید ریشه ها را بیابیم و مشکلات را در آنجا برطرف کنیم.

\*\*\*

کارگردان: بهرنگ دزفولی زاده

میلااد دخانچی: فیلمی که کارگردان برایش مسأله داشت

نکته حائز اهمیت این فیلم، این بود که کارگردان برای ساخت این فیلم، مسأله داشت. چیزی که در سینما به دنبال آن هستیم و بعضاً جای خالی آن دیده می‌شود. مسأله اصلی فیلم آشنایی ما با دیگری‌های ذهنی و جامعه‌مان است. که در این فیلم موضوع ناشنویان است. نحوه پرداخت فیلم به این موضوع آنچنان است که می‌توان استعاره‌ای از هر نوع ناتوانی باشد که از هر بُعدی ناتوان باشد و ما از وضعیت آنها ناآگاه هستیم.

مریم جلالی: استعاره‌ای از تغییر و میل یک جامعه به حرکت برای پیشرفت است

احساس می‌کنم آن دیگری را که این فیلم نشان می‌دهد، توانایی فیلمساز در این بوده است توانسته آن دیگری را آنقدر شمول معنایی‌اش را زیاد که من بیننده بتوانم، این دیگری را به همه سطوح جامعه ارجاع بدهم.

بی‌صدا حلزون استعاره‌ای از تغییر مداوم و میل یک جامعه به تغییر برای پیشرفت و خطرپذیری یک جامعه برای پیشرفت است. مادری که تلاش می‌کند، نسل بعدی مثل نسل خودش نباشد. پدری که تمام تلاشش را می‌کند تا وضع موجود را حفظ کند. حتی افراد جامعه تصویر شده در این فیلم هم به نظر موافق حفظ شرایط موجود هستند.

کارگردان توانسته با دست گذاشتن روی این مسأله دیگری، این ایده را جهانی طرح کند. که البته سطحش هم در آن مسأله باقی نمی‌ماند. ما فیلم‌های زیادی داشته‌ایم که به نابینایان و دیگر گروه‌های جامعه اشاره کرده است. ولی در این فیلم، در نحوه چه گفت و چگونه گفتن مدیریت و خطرپذیری موفق بوده است. به این خاطر که سعی کرده است با ایجاد استعاره‌های زیاد بتوانیم این احساس را داشته باشیم که میل به تغییر در این فیلم چگونه است.

فیلمی است که زنانه بودن فرهنگ را نشان می‌دهد. فرهنگی که می‌تواند تغییر ایجاد کند. فرهنگی که می‌تواند غرامت بدهد و قربانی بدهد.

در حقیقت میل به تغییر، مقاومت در برابر تغییر، سطح فرهنگی تغییر و خطرپذیری تغییر چیزی است که در این فیلم به آن اشاره می‌شود. با استفاده صحیح از عنصر صدا، که کمتر فیلمسازی توانسته از صدا به عنوان عنصر پیام‌ساز بهره بگیرد.

امیر ناظمی: بیانگر شکافی است که فقط یک قربانی ندارد!

این فیلم دیگری سازی و زیست دوگانه اشاره دارد. فیلم از جایی شروع می‌شود که ما مجبور می‌شویم دو نوع رفتار داشته باشیم. چه وقتی که مادر هستیم. چه وقتی که عمو هستیم. چه وقتی که پدر هستیم. همه ما زیست دوگانه‌ای را هر روز داریم. این زیستی که منشأ آن دیگری سازی است. دیگری را که متفاوت از خودمان می‌پنداریم. پدری که ناشناخت و به عنوان حاکم سرنوشت فرزند، اجازه نمی‌دهد این تغییر در او ایجاد شود. چون این تغییر امکان دورشدنش از او را زمینه‌سازی می‌کند. تا آنجا که دوست ندارد نسل بعدش متفاوت از خودش باشد و اصرار بر بازتولید خودش در فرزندش دارد. شکافی که بعد از مدتی باعث قربانی شدن و قربانی گرفتن می‌شود.

\*\*\*

۳- تومان

کارگردان: مرتضی فرشباف

میلااد دخانچی: بی‌هدفی نسلی که بدون مسأله زندگی می‌کند

از وجوه مختلف فیلم نگران کننده‌ای است. آنچه می‌بینی، فاقد فیلمنامه منسجمی و درام است. بازی‌ها و قاب‌بندی‌ها بد نیست. ولی در خدمت چیزی نیست. فیلم یک نوع بی‌هدفی طبقه جوان بدون مسأله‌ای که کارگردان دنبال می‌کند. است.

در این فیلم به مسائلی پرداخته می‌شود که جای سوال دارد. خصوصاً اینکه این دومین فیلمی است که در این جشنواره دیده‌ام که تلویحاً به مقوله همجنس‌گرایی اشاره داشته است و جالب‌تر ساخته شدن این فیلم توسط یک حاجی در جمهوری اسلامی است.

علی سرزعی: بازدهی کم فعالیت‌های کارآفرینانه و مولد و رونق فعالیت‌های غیرقانونی و غیررسمی

به عنوان کسی اقتصاد خوانده است، آنچه در این فیلم تصویر می‌شود، ناامیدی جوانانی است که نتوانسته‌اند از راه طبیعی و کارآفرینی ثروتمند شوند و به دنبال آزمودن بخت و اقبال‌شان می‌روند. این فیلم مشکلی را در جامعه نشان می‌دهد که بیانگر بازدهی کم فعالیت‌های کارآفرینانه و مولد در جامعه رفتن افراد به سمت رانتجویی و کارهای غیرقانونی و غیر رسمی است. کارگردان اگر قصد دادن این پیام را داشته است، به نظرم راه خوبی برای بیانش پیدا کرده است. موضوعی که واقعیت موجود جامعه ماست. البته نه به آن سیاهی که این فیلم توصیف می‌کند، ولی سفیدی‌ای هم که دوست داریم هم نیست. با این حال هنوز این طور نیست که کارآفرینی در این کشور جواب ندهد. اما باید بپذیریم در شرایط کنونی

متاسفانه مسیر رانتجویی هم در جامعه وجود دارد.

امیر ناظمی: یک جامعه قمارزده!

جامعه قمار کلیدواژه من برای توصیف این فیلم است. علت اینکه شخصیت فیلم به سراغ این راه می‌رود این است که تصور می‌کند از راه عادی نمی‌تواند به مقصودش برسد. که خب احساسی که می‌تواند در جوامع زیاد شود و تا جایی که فقط افراد آن جامعه، بلکه حکمرانان آن هم به قمارباز تبدیل شوند. این فیلم توصیفی از جامعه بسیار قمارزده است. چون احساس می‌کند نمی‌تواند با رفتار متداول به مطلوبیتی که می‌خواهد دست یابد. موضوعی که تمامی ندارد و از یک جایی به بعد ادامه آن دیگر برای پول نیست!